

نقش حوزه انقلابی در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (زید عزه)

غلامرضا ضابط‌پور کاری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۵

چکیده

تمدن نوین اسلامی در حقیقت راهبرد کلانی است که در عمق بیداری و حرکت‌های اسلامی، به‌ویژه انقلاب اسلامی قرار دارد و برپایی این تمدن با همه ابعاد و زوایا در ظرفیت جهان اسلام و در صلاحیت اندیشه ناب اسلامی وجود دارد. پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که حوزه علمیه چه نقشی در شکل‌گیری و پویایی تمدن نوین اسلامی دارد؟ مفروض مقاله این است که مهندسی تمدن نوین اسلامی و تربیت مدیران و کارگزاران آن، وظیفه حوزه علمیه است. به عبارت دیگر، حوزه انقلابی و چشم‌انداز پیش رو، تحقق تمدن نوین اسلامی است که بدون نقش‌آفرینی حوزه علمیه تحقق آن امکان‌پذیر نیست. مهم‌ترین نقش حوزه علمیه در تحقق تمدن نوین اسلامی که در این پژوهش به دست آمده است، عبارت‌اند از: ۱. تبیین نظری و کارآمد چارچوب‌ها، اهداف و الگوهای ناظر به تمدن نوین اسلامی، که بر اساس آن تحقیق نیازمند یک منظومه معرفتی است که در مرکز آن منظومه، معارف اسلامی قرار دارد؛ ۲. زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی (عج)؛ ۳. ظرفیت‌سازی و پرورش نیروهای کارآمد متناسب با رسالت انقلابی که از دیگر الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی است. از این رو، ایجاد تمدن نوین اسلامی و در نتیجه استحاله فرهنگ مادی غرب درون تمدن اسلامی در گرو حل رابطه بین اسلامیت و تمدن، جامعه و دولت اسلامی است که بی‌تردید این مسئله از طریق حوزه‌های علمیه و به شرط انقلابی‌ماندن حوزه و حکومت حل خواهد شد.

کلیدواژه‌گان: تمدن، تمدن نوین اسلامی، حوزه انقلابی، رسالت انقلابی.

سپهر سیاست

سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

* استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، بابل، ایران

رایانامه: Zabetpour@nit.ac.ir

این مقاله در قالب همایش علمی «حوزه انقلابی؛ مسئولیت‌های ملی و فراملی» که از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی) در اسفندماه ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد، تهیه و تدوین شده است.

مقدمه

کار حوزه، طراحی و ارائه معارف دینی در قالب یک تمدن، برای عرضه جهانی است؛ زیرا تمدن، خاصیت جهانی دارد و دین جهانی باید در قالب جهانی عرضه شود. اکنون که حوزه علمیه حرکت تکاملی در جهت تحقق عدالت، حاکمیت مبتنی بر توحید را محور برنامه‌های خود قرار داده است و برنامه حوزه، طراحی و ارائه معارف دینی در قالب یک تمدن برای عرضه جهانی تعریف خواهد شد، ضروری است به دوراندیشی در حوزه توجه کافی مبذول شود. دین مبین اسلام به دوراندیشی و پیش‌بینی توصیه می‌کند. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «من استقبال الامور ابصر» یعنی هر کس پیش‌بینی‌های لازم را انجام دهد، بر آینده مسلط خواهد شد (آمدی، بی‌تا، ص ۵۷). آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار طلاب، فضلا و مسئولان رده‌های مختلف حوزه علمیه دو نکته بسیار مهم و کلیدی را به عنوان رمز بقا و پویایی این نهاد سرنوشت‌ساز مطرح کردند، اول، ضرورت دوراندیشی و دوم، ضرورت تحول. برای وارد شدن به عرصه جهانی باید از این ابزار بهره برد، در حالی که این امر در حوزه کم‌رنگ جلوه می‌کند.

نقش حوزه‌های علمیه به عنوان سازمان روحانیت در گسترش و ترویج دین و آموزه‌های آن به اندازه‌ای آشکار است که به بیان استاد مطهری «کسانی که آرزوی اعتلای آیین مبین اسلام را در سر دارند و درباره علل ترقی و انحطاط مسلمین در گذشته دور و نزدیک می‌اندیشند، نمی‌توانند درباره دستگاه رهبری آن یعنی سازمان مقدس روحانیت نیندیشند» (مطهری، ۱۳۵۸، ص ۴۳۸). سخن راجع به حوزه علمیه و نقش آن، کم‌وبیش رانده شده است، برخی حوزه را معرفی کرده‌اند (سیدکباری، ۱۳۷۸)، و برخی کارکردهای آن را بیان کرده‌اند (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰). برخی نیز به تاریخچه حوزه‌های علمیه اشاره کرده، حتی ساختمان‌ها و مدارس را بررسی کرده‌اند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴)، همچنین، تحقیقات متعدد و متکثری پیرامون عالمان دین که در واقع، خروجی‌های حوزه علمیه‌اند و حوزه‌های علمیه، به‌طور مجزا انجام گرفته است. راجع به آثار تمدنی حوزه نیز گفت‌وگوهایی به‌طور اجمالی یافت شد، اما راجع به آثار حوزه در تمدن نوین اسلامی نوشته زیادی به دست نیامد.

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که حوزه‌های علمیه چه نقشی در تحقق تمدن نوین اسلامی می‌توانند داشته باشند؟ برای پاسخ به این پرسش اصلی می‌توان



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

پرسش‌های فرعی را به این شرح مطرح کرد که غایت نظام اسلامی چیست؟ فرایند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی چه مراحل را باید طی کند؟ برای تمدن چه ویژگی‌هایی برشمرده شده است؟ مفروض پژوهش این است همان‌طوری که انقلاب اسلامی ایران به برکت حوزه‌های علمیه به پیروزی رسیده و تمدن جدیدی را بنا گذاشته است، باید به این حقیقت مهم نیز ایمان داشت که تحقق تمدن نوین اسلامی بدون نقش‌آفرینی حوزه‌های علمیه، علمای دین و مراجع عظام تقلید محقق نخواهد شد. از این رو، بحث از تمدن نوین اسلامی، اساساً بحث از آینده تمدنی است. این پژوهش در صدد تبیین نقش حوزه‌های علمیه در تمدن نوین اسلامی است.

حوزه انقلابی

تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر ضرورت دوراندیشی است و با توجه به این که نهاد حوزه مثل هر نهاد و سازمان دیگر در معرض تغییر و تحول است، برای زمینه‌سازی ایجاد تحولات مفید باید اهتمام ویژه‌ای به دوراندیشی در آن مبذول شود. بی‌تردید انقلاب اسلامی با رهبری مرجعیت با نقش‌آفرینی و سکان‌داری علمای دین و در رأس آن‌ها، امام خمینی (ره) به ثمر رسیده است. انقلابی که محصول حوزه علمیه شجاع، آگاه و بصیری است که توانست حرکت استقلال‌طلبانه ملت را رهبری کند و خود به استمرار آن نیز بینجامد و هم اکنون نیز اگر حوزه، انقلابی بماند می‌تواند استمرار این حرکت را تضمین کند. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که مفهوم حوزه انقلابی چیست؟ و چه ارکانی می‌توان برایش در نظر گرفت؟ نویسنده معتقد است مفهوم حوزه انقلابی سه رکن دارد. رکن اول حوزه انقلابی، آرمان‌گرایی اسلامی است. حوزه باید برای ایران، منطقه و جهان آرمان‌های متعالی در نظر بگیرد. بنابراین، حوزه‌ای که به آرمان‌های جهانی اسلام اعتقادی ندارد و جذب نظریه‌های موجود اداره‌کننده دنیا، و به تعبیری، دنبال جهانی‌شدن هستند، تا جهانی‌سازی اسلام، نمی‌تواند حوزه انقلابی باشد؛ رکن دوم حوزه انقلابی برنامه‌ریزی است. حوزه انقلابی برای تحقق آرمان‌های جهانی اسلام باید برنامه داشته باشد و تا رسیدن به آن آرمان‌های مطلوب بی‌کار ننشیند. حضرت امام خمینی (ره) مصداق بارز چنین خصیصه‌ای بود؛ هم به آرمان‌های مهدویت و جهانی‌سازی اسلام معتقد بود و هم برای رسیدن به آن آرمان برنامه‌ریزی داشتند. ایشان برای

نقش حوزه انقلابی
در تمدن نوین اسلامی
با تأکید بر...
(۱۸۵ تا ۲۰۵)

رسیدن به آن خورشید می‌فرمود ما منتظر رؤیت خورشید هستیم و برنامه‌ریزی هم می‌کردند تا مرحله به مرحله جامعه انسانی در ایران، منطقه و جهان به سمت آن جامعه آرمانی نزدیک و نزدیک‌تر شود. بنابراین، کسانی که اعتقاد به آرمان‌های جهانی اسلام دارند، اما هیچ اقدامی را تا ظهور حضرت ولی عصر (عج) جایز نمی‌دانند، از دایره انقلابی بودن در حوزه خارج هستند. حوزه انقلابی حوزه‌ای است که برای رسیدن به آرمان مهدویت و آرمان جهانی‌سازی اسلام گام به گام برنامه‌ریزی می‌کند. سومین رکن از مفاهیم مندرج در حوزه انقلابی عبارت است از روحیه انتقادگرایی، اصلاح‌گری و اعتراض و نارضایتی نسبت به هر وضع نامناسب با آن هدف آرمانی، از فساد و فحشا گرفته تا فقر و تبعیض و بی‌عدالتی و هرج و مرج و بی‌تفاوتی و فتنه و هر چیزی که حرکت جهان اسلام را به سمت آن آرمان جهانی‌اش کند، یا متوقف کند. از این رو، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند یکی از خصیصه‌های انقلابی‌گری حساسیت نسبت به آسیب‌های انقلاب اسلامی و نسبت به نقشه‌های دشمن و نسبت به هر امری که حرکت اسلام را به سمت خودش کند یا متوقف کند. ایشان درباره حوزه انقلابی نیز متذکر شدند که «... حوزه علمیه قم باید همچنان یک حوزه انقلابی و مهد انقلاب باقی بماند و رسیدن به این هدف نیازمند اندیشه، تدبیر و برنامه‌ریزی دقیق است؛... اگر بخواهیم نظام اسلامی همچنان اسلامی و انقلابی بماند باید حوزه علمیه، انقلابی بماند؛ زیرا اگر حوزه علمیه انقلابی نماند، نظام در خطر انحراف از انقلاب قرار خواهد گرفت» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

بنابراین، اگرچه در فرایند تمدن‌سازی همه ارکان مهم نظام و جامعه مردمی مسئول و سهیم‌اند، در این میان، یکی از مهم‌ترین گروه و نهادی که نسبت به دیگران نقشی مؤثر در ایجاد و استمرار آن دارند، حوزه‌های علمیه‌اند. خط کلی حوزه انقلابی نیز رسیدن به تمدن نوین اسلامی است که غایت انقلاب اسلامی می‌باشد.

عناصر سازنده تمدن

برای روشن شدن نقش حوزه در رسیدن به تمدن نوین اسلامی، ابتدا باید عناصر



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

سازنده هر تمدن بررسی شود. در تعریف تمدن، فرهنگ لالاند^۱ بیان می‌کند که یک تمدن مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال است و جنبه‌های مذهبی، اخلاقی، زیبایی‌شناسی، فنی، علمی مشترک در یک جامعه یا چند جامعه مرتبط با یکدیگر را به خود می‌گیرند (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۹۹). اندیشمندان در اینکه تمدن از چه عناصری شکل می‌گیرد، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ برای نمونه ابن خلدون، جامعه‌شناس مسلمان، هفت عامل را در ساخت یک تمدن سهیم می‌داند که عبارت‌اند از دولت و رهبر، قانون (دینی و عرفی)، اخلاق، کار، صنعت، جمعیت و ثروت. از دیدگاه وی نه تنها بدون اخلاق و دین، تمدن ممکن نیست و نه تنها برای نظم‌بخشیدن به جامعه و بقا یک تمدن و پیشرفت آن به دین و اخلاق نیاز است، بلکه برای بهتریستن، دستورات اخلاقی را باید به کار بست (رادمنش، بی تا، ص ۱۷). در نگرش توین بی^۲، تمدن عبارت است از تلاش برای آفریدن جامعه‌ای که کل بشر بتواند با هم‌نوایی در کنار یکدیگر درون آن زندگی کنند (توین بی، ۱۳۷۶، ص ۴۸). در واقع، او تمدن را مرحله یا نوع خاصی از فرهنگ می‌داند و در کل بر جنبه معنوی تمدن تأکید می‌کند و آن را جهد و اهتمامی برای ایجاد وضع و زمینه‌ای در جامعه می‌داند که در آن همه افراد توانا می‌شوند و مانند اعضای خانواده واحد با یکدیگر هماهنگ زندگی می‌کنند (توین بی، ۲۵۳۶ شاهنشاهی، ص ۱۰).

ویل دورانت نیز، تمدن را در شکل کلی، نوعی نظم اجتماعی می‌داند که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان می‌یابد. به عقیده او «در تمدن چهار رکن اساسی را می‌توان تشخیص داد که عبارت‌اند از پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر. ظهور تمدن هنگامی امکان‌پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد، هنگام از بین رفتن ترس کنجکاوی و نیاز به ابداع و اختراع پیش می‌آید و انسان خود را تسلیم غریزه و فطرت می‌کند تا او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت، و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق دهد» (دورانت، ۱۳۶۵، ص ۳). همان‌طور که مشاهده می‌شود، وی نیز بر اخلاق و آداب و رسوم دینی، و

1. Lapland

2. Toynbee

ارزش‌های معنوی به عنوان عوامل تمدن‌ساز تأکید می‌کند. او قائل است که اخلاق به عنوان عامل سوم تمدن بر پایه دین و اعتقادات و تقدس دینی است که مؤثر واقع می‌شود، زیرا دین هاله تقدیسی بر گرد مقررات اخلاقی ایجاد می‌کند (دورانت، ۱۳۷۶، ص ۳). همچنین، ویل دورانت در تعریف و انتقالی بودن تمدن می‌گوید: میراث گران‌بهای فرهنگی و سنت‌های اخلاقی که عامل تحول انسان از مراحل پست حیوانی به مرتبه والای انسانیت است، باید به هر طریق ممکن به نسل‌های بعد منتقل شود (دورانت، ۱۳۹۲، ص ۴) تایلور^۱ تمدن را مترادف با فرهنگ در نظر گرفته است و از منظر مردم‌شناسی تمدن را ترکیب پیچیده‌ای شامل علوم، اعتقادات و هنرها، اخلاق و قوانین و آداب و رسوم و عادات و اعمال دیگری که به وسیله انسان در جامعه خود به دست می‌آید، می‌داند (روح‌الامینی، ۱۳۷۹، ص ۴۸).

از دیدگاه امام خمینی (ره) مهم‌ترین عنصر تمدن نه در نمادهای فیزیکی آن، بلکه در توان انسان‌سازی آن یعنی بعد معنوی و دینی آن نهفته است. با این مقیاس، ایشان فرهنگ غرب را با همه توانایی‌هایی که در تولید مصنوعات بشری و کشف قوانین طبیعت دارد، به لحاظ نگاه تک‌بعدی‌اش به انسان، تمدن مناسب نمی‌دانند، زیرا بر مبانی دینی راستین و حقیقی بنا نشده است (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص ۳۶۸). در واقع، هر چند ایشان به پیشرفت اقتصادی به عنوان لازمه تمدن اشاره می‌کند، اما معتقدند هر تمدنی که ظهور می‌کند باید با تکیه بر دین و معنویت، استعداد تعالی انسان در دو جنبه مادی و معنوی را داشته باشد. به عبارت دیگر، در نظر ایشان تمدن‌ها باید با تکیه بر مبانی و ارزش‌های دینی و متعالی، نیازهای فردی و اجتماعی بشر را رفع و درصدد رشد و تعالی انسان باشند. شهید مطهری نیز ضمن انتقاد از تمدن غربی که در آن به ارزش‌های حقیقی انسان توجهی نمی‌شود، تمدن حقیقی را مجموعه‌ای بر می‌شمارد که ابتدا «کمال و استعداد‌های انسان تعریف می‌کند و بعد کمال جامعه را که همان کمال انسان است مشخص می‌کنند که جامعه در چه نظامی می‌تواند انسان را به نهایت استعداد‌های خودش، به کمال فرهنگی خودش، به کمال معنوی خودش برساند» (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۴۲). آیت‌الله



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

1. Taylor

جوادی آملی هم رشد و پیشرفت را که در جامعه اگر جریانی پایدار باشد، متضمن ایجاد یک تمدن، فرایندی می‌داند که بر اساس «رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی-اجتماعی می‌باشد و انسان در این جریان می‌تواند به کمال برسد» (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۳). به اعتقاد علامه جعفری «تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تضادها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعدادهای سازنده آن‌ها باشد» (جعفری، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۲۳۳). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تعریف تمدن در دیداری که با جوانان و نوجوانان داشتند، می‌فرماید: «تمدن، یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴).

مسلم است نقش علم و دانش و دین در ساختن یک تمدن انکارناپذیر است و علم، دانش، عقلانیت و معرفت دینی و اخلاقی در کنار عناصر دیگر از عناصر سازنده و جدانشدنی یک تمدن محسوب می‌شوند. نقش سازندگی این عناصر در تمدن اسلامی که بر پایه معارف دینی و اسلامی استوار شده و همه عرصه‌های زندگی بشر را مورد توجه قرار داده است و جهت‌گیری زندگی انسان را در ابعاد گوناگون مشخص کرده، آشکارتر است. به‌طور کلی، برای همه تمدن‌ها چند ویژگی اساسی را می‌توان برشمرد: ۱. تمدن منوط به شکل‌گیری یک نظام اجتماعی قانونمند است؛ ۲. گستره یک تمدن به مراتب بیشتر از یک حکومت و حتی یک فرهنگ خاص است و بالطبع عمر طولانی‌تر از عمر حیات اجتماعی یک جامعه خاص دارد؛ ۳. تمدن‌ها جنبه‌های سخت (ساختارها، محصولات و...) و جنبه نرم (فرهنگ، عقلانیت و...) می‌باشند؛ ۴. تمدن‌ها نظام‌های اجتماعی متعددی دارند که به‌طور اصولی تمامیت یک تمدن را محقق می‌کنند، مانند نظام‌های حقوقی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی؛ ۵. شکل‌گیری یک تمدن محصول هماهنگی نظام‌های اجتماعی خاصی است که به پذیرش اجتماعی رسیده و نهادینه شدند (زمانی، ۱۳۹۰، ص ۵۶).

نقش حوزه انقلابی
در تمدن نوین اسلامی
با تأکید بر...
(۱۸۵ تا ۲۰۵)

تمدن نوین اسلامی

همان طوری که بیان شد، هدف غایی انقلاب اسلامی دستیابی و رسیدن به تمدن نوین، با به کارگیری اصول و ارکان اصیل اسلامی است. همان طور که حضرت آیت الله خامنه‌ای این آینده قطعی را این گونه تبیین کردند: «... ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله اعظم خواهند توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این آینده قطعی شماست. جوانان خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۵/۲۹).

با توجه به ارکان و ویژگی‌های تمدنی که بیان شد، اینک به تمدن نوین اسلامی اشاره شده، و به فرایند تحقق و ارکان آن پرداخته می‌شود. به طور کلی فرایند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، پنج مرحله ذیل را طی خواهد کرد؛

۱. ایجاد انقلاب اسلامی که پرهیجان‌ترین مرحله است؛
۲. شکل‌دادن نظام اسلامی، یعنی هندسه عمومی جامعه؛
۳. ایجاد دولت اسلامی، دولت به معنای مجموعه کارگزاران حکومت؛
۴. ایجاد کشور اسلامی که مرحله تبلور نظام اسلامی است؛
۵. پدید آوردن دنیای اسلامی (تمدن اسلامی) که پس از شکل‌گیری کشور اسلامی (به عنوان الگو) تحقق می‌یابد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۸/۶).

عبارت تمدن‌سازی نوین که توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است، در واقع، همان احیاء تمدن اسلامی است که با پیروزی انقلاب اسلامی نگاه‌ها به آن معطوف شده است، یعنی احیاء عزت و کرامت انسان مسلمان در کنار برخوردارگی از دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی که می‌تواند نوید بخش ایجاد تمدنی نمونه باشد و تأکید مقام معظم رهبری بر عنصر پیشرفت همه‌جانبه به عنوان ماهیت واقعی تمدن نوین اسلامی در واقع، به معنای تأکید بر عنصر حرکت و تعالی در همه عرصه‌ها و همه جنبه‌های زندگی مادی و معنوی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). پس از انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ و با تأسیس نظام جمهوری اسلامی با دموکراتیک‌ترین روش، یعنی رفرااندوم فروردین سال ۱۳۵۸، از آن زمان تاکنون در مرحله تدوین دولت اسلامی هستیم. تأسیس دولت اسلامی، یکی از کلیدی‌ترین و حساس‌ترین مرحله تحقق تمدن نوین است. با تحقق این



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

مرحله، گام اساسی در تمدن‌سازی برداشته خواهد شد. این گام اساسی منوط به هماهنگی مضاعف همه ارکان مهم نظام و جامعه مردمی با حوزه‌های علمیه است. اساساً اسلامی شدن دولت و حرکت مسئولان در مسیر صحیح آموزه‌های دینی، مقدمه رسیدن به جامعه اسلامی است. یعنی جامعه و مردم زمانی اسلامی خواهند شد که دولت و مسئولان در خط اسلام قرار گیرند. در این باب آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

«اول ما مسئولان اسلامی می‌شویم، وقتی اسلامی شدیم، آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد. یعنی دولت اسلامی می‌تواند کشور اسلامی به وجود بیاورد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۶/۸).

حوزه و تمدن‌سازی

جهان اسلام در سال‌های متمادی به عنوان مکتبی تمدن‌ساز مطرح بود و طرح‌ها و الگوهایی در زمینه تمدن و توسعه جامعه ارائه کرد. طرح‌های حقوقی (به عنوان نمونه در رساله حقوق امام سجاد (ع) حقوق انسان‌ها، فرزندان، والدین، همسایگان، استادان، حقوق حیوانات و... بیان شده است)، طرح‌های آموزشی، کشاورزی، اقتصادی، مدیریتی و مانند آن‌ها. این طرح‌ها و برنامه‌ها، موجب و پدیدآمدن تمدن اسلامی در جامعه جاهلی و بادیه‌نشین اعراب شد و آنان را به بزرگترین و اثرگذارترین تمدن - در مقابل دو تمدن بزرگ ایران و روم - تبدیل کرد و تمدن ایران را با آن سابقه و دیرینه، در فرهنگ خود هضم کرد. به طوری که تا چندین سال بعد، از تمدن ایران دیگری خبری نبود و این سرزمین، جزء تمدن اسلام قرار گرفت. تأثیر تمدن اسلام بر تمدن غرب، سال‌ها بعد در قالب علوم مشاهده شده است. از مؤلفه‌هایی که در تمدن و توسعه جامعه می‌تواند اثرگذار باشد، مدل و الگوی تمدنی است. هر جامعه مسائل و نیازهایی دارد و جامعه اسلامی هم از این قاعده مستثنا نیست. پس برای به دست آوردن اطلاعات و پاسخ به مسائل و نیازها طرحی نیاز است. طرح، طبقه‌بندی دانستنی‌ها بر اساس نگرش اسلامی ارائه معارف دینی در قالب تمدنی برای عرضه جهانی است.

به اعتقاد نویسنده، حوزه و فقه شیعه پس از غیبت امام زمان (عج)، سه مرحله را پشت سر گذاشته است؛ مرحله اول از زمان غیبت تا آغاز دوره صفویه بوده که

نقش حوزه انقلابی
در تمدن نوین اسلامی
با تأکید بر...
(۱۸۵ تا ۲۰۵)

بیشتر در این دوره به گزاره‌های اجتماعی و سیاسی فقه معطوف شده است و در مرحله دوم که از دوران صفویه تا انقلاب اسلامی است، فقه نظریه سیاسی را تولید کرده است و پس از انقلاب اسلامی تاکنون فقه نظام سیاسی را ساخته است. بنابراین، انتظار طرح تمدن نوین اسلامی از فقه شیعه دور از انتظار نیست؛ زیرا مقدمات تاریخی لازم را برای تحقق تمدن مزبور برداشته است. بی‌تردید، هیچ تمدنی در طول تاریخ اعم از دینی و غیردینی و یا مادی و غیرمادی محقق نشده است مگر اینکه مسبوق به حکومت و نظام سیاسی باشد و تمدن اسلامی هم از این امر مستثنا نیست. از این رو، رویکردها و قرائت‌هایی از دین اسلام که حکومت اسلامی را برنمی‌تابد، نمی‌توانند هیچ نقشی برای تمدن اسلامی ایفا کنند، مانند رویکرد صوفیانه یا باطنی‌گری محض و همچنین، آن میراث از فقه سیاسی که منتهی به حکومت اسلامی نمی‌شود، نیز نمی‌تواند در تحقق تمدن اسلامی نقش داشته باشد.

حوزه علمیه و اهل دین باید نرم‌افزارهای اداره حکومت دینی را تهیه کند. در واقع، مباحث حوزوی باید معطوف به دغدغه حکومت شکل بگیرد؛ در حالی که چنین نیست. عرصه‌هایی از فقه هست که در حوزه‌های علمیه خالی است، مانند فقه امنیت، فقه توریسم، فقه ژنتیک و ... به عبارتی دیگر، در نهادهای علمی تمدن‌ساز مانند حوزه علمیه‌های، تحقیقات و پژوهش‌ها باید به سمت تمدن‌سازی جهت داده شوند، ولی متأسفانه این حکم در حوزه‌ها جاری نیست؛ به‌سختی می‌توان گفت مواد درسی، کتب درسی، نحوه و کیفیت تحقیقات، پایان‌نامه‌هایی که نوشته می‌شود و نیز سازمان حاکم بر حوزه‌ها به سمت تمدن‌سازی حرکت می‌کند. البته کوشش‌های صادقانه بسیاری در حوزه برای نیل به این مقصود انجام گرفت، اما متأسفانه جریان غالب و حاکم چنین نیست. اگر این شکاف را نسبت به حوزه علمیه و حکومت پر نکنیم، شکاف بین حوزه علمیه و تمدن نوین اسلامی بیشتر خواهد شد. حوزه‌های علمیه قبل از آن که جهت نقش‌آفرینی در تحقق تمدن نوین اسلامی گام بردارند، باید جهت پرکردن شکاف بین حوزه‌های علمیه و حکومت اسلامی گام بردارند. نگرانی حوزه‌های علمیه نباید این باشد که چرا رئیس دولت نزد مراجع عظام تقلید نمی‌آید، یا کم می‌آید؛ بلکه باید نگران این باشند که چرا مباحث حوزوی نمی‌تواند ظرفیت تبدیل شدن به قانون را داشته باشد. آمدن رئیس دولت نزد مراجع نمی‌تواند راهکار برای تحقق تمدن نوین اسلامی باشد. در این



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

دیدارها صرفاً به نصایح اکتفا می‌شود. اگر حکومت، حکومت دینی باشد، باید نرم‌افزارهای آن از جنبه دین تأمین شود. هیچ بخشی از فقه نباید ویژگی صرف علمی داشته باشد، بلکه ارزش عملی فقه نیز باید مد نظر قرار گیرد و فقه علم عمل است و باید فقه قابلیت تبدیل به ماده قانونی برای اجرا شدن داشته باشد.

بنابراین، یکی از رویکردهای مهم در فقه، رویکرد حکومتی به فقه است که معتقد است جغرافیای تکلیف مکلفین و حوزه پاسخگویی فقه، جزء جزء حیات آدمی و همه حوزه‌های زندگی بشری، اعم از فردی و اجتماعی، است. بنابراین، اولین و مهم‌ترین وظیفه فقه، استنباط و عرضه بایدها و نبایدها و الگوهای رفتاری در حوزه‌های مختلف حیات مکلفین از گهواره تا گور است. بر این اساس، اولین تاثیر مستقیم فقه در تمدن‌سازی نوین اسلامی، برعهده‌گرفتن تأمین بخش نرم و اصلی تمدن، یعنی الگوهای رفتاری و سبک زندگی است (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۸). البته بخش سخت تمدن، یعنی ابزارهای عملیاتی کردن الگوهای رفتاری که عبارت از ابزار، تکنولوژی و صنعت بود، به صورت پسینی و مبتنی بر الگوهای رفتاری و متناسب با آنها تولید می‌شود. این اصلی پذیرفته‌شده، عقلانی و عقلایی است که در هیچ تمدنی، ابزار، تکنولوژی و صنعت به صورت یله، رها و عنان گسیخته و بریده از عقبه فرهنگی تمدن خویش تولید نمی‌شود، بلکه لزوماً در راستای نظام نیازهای آن تمدن و ناظر بر فرهنگ حاکم و به صورت پسینی تولید می‌شود. بر این اساس، در تمدن‌سازی اسلامی نیز بخش سخت تمدن باید ناظر بر نظام نیازها و در راستای برآورده کردن نیازهای مسلمین و مؤمنین که همان عملیاتی کردن الگوهای رفتاری و انجام دادن وظایف شرعی و بایدها و نبایدهای دینی است، طراحی و تولید شود. روشن است چنین تولیدی کاملاً به صورت پسینی و تبعی امکان‌پذیر است. بنابراین، فقه در بخش سخت تمدن نیز تأثیر بنیادینی داشته، جهت‌دهی طراحی و تولید بخش سخت را برعهده دارد.

بنابراین، حوزه علمیه به عنوان خاستگاه معارف دینی که هسته محوری تمدن نوین اسلامی را تشکیل می‌دهند، نقش اساسی در پویایی و بالندگی تمدن نوین اسلامی دارد که در ادامه، حوزه‌های متعددی که حوزه علمیه در تحقق و بالندگی آنها نقش بسزایی دارد، بازگو می‌شود.

الف) تبیین نظری و کارآمد چارچوب‌ها، اهداف و الگوهای ناظر به تحقق تمدن نوین

نقش حوزه انقلابی
در تمدن نوین اسلامی
با تأکید بر...
(۱۸۵ تا ۲۰۵)

اسلامی

از مهم‌ترین الزامات مهندسی تمدن اسلامی مفهوم‌سازی در این افق است؛ به عبارت دیگر، اولین و مهم‌ترین رسالت نخبگان فرهنگی انقلاب اسلامی و مراکز علمی و پژوهشی، تبیین نظری و کارآمد چارچوب‌ها، اهداف و الگوهای ناظر به تحقق تمدن اسلامی است تا بر اساس آن، جریان دین در همه عرصه‌ها و سطوح حیات اجتماعی و تمدنی صورت گیرد. به دیگر سخن، سرپرستی، هدایت و تکامل نظام اسلامی تا رسیدن به تمدن اسلامی باید در چارچوب مبانی، آموزه‌ها و اهداف دین انجام گیرد. بر این اساس، تحقق تمدن نوین اسلامی نیازمند یک منظومه معرفتی است که در هسته آن معارف اسلامی قرار دارد. منظور از این نظام معارف، مجموعه آموزه‌های دینی در حوزه‌های مختلف نظام توصیفات دینی، نظام احکام ارزشی، نظام احکام تکلیفی و حقوقی است. بر این اساس، حوزه‌های علمیه نباید فقط به اجتهاد در حوزه احکام روابط فردی آن هم در باب احکام تکلیفی آن پردازند. بلکه باید فقه اکبر، موضوع اجتهاد قرار گیرد و علاوه بر احکام تکلیفی، احکام ارزشی و اندیشه‌های توصیفی دین در دو حوزه روابط فردی و اجتماعی بررسی شود. البته مشخص است علاوه بر ضرورت حجیت در این نظام معارف دینی، کارآمدی آن هم باید مد نظر قرار گیرد. بر این اساس، باید فقه اسلامی مشتمل بر جوانب مختلف زندگی انسان در زمینه‌های فردی و اجتماعی شود و فقط به بیان احکام فردی اکتفا نکند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرمایند:

«ما باید فقه اسلامی را که مشتمل بر جوانب مختلف زندگی انسان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فردی است در جامعه خود پیاده کنیم و به تنظیم زندگی انسان‌ها از نظر آداب زندگی، وضع معیشتی، ارتباطات سیاسی، اجتماعی و خارجی بر مبانی اسلام پردازیم» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۲/۱).

بنابراین، نقش اصلی حوزه‌های علمیه، مفهوم‌سازی تدوین و تولید بر اساس منابع دین است. بر این اساس، همه علوم حوزوی باید ارتقای ظرفیت یابند، به طوری که بتوانند همه ابعاد و مسائل تمدن اسلامی - اعم از نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای تمدنی - را لحاظ کرده و بر اساس فقه جامع دین «طرحی جامع برای اداره» ارائه دهند. در حوزه‌های علمیه، پی‌ریزی حکمت تمدنی، اخلاق تمدنی و فقه تمدنی و در یک کلمه دستیابی به فقه جامع دین ضروری است. فقه جامع



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

دین افزون بر فقه فردی - که ناظر بر احکام رفتار افراد است - مشتمل بر فقه اجتماعی و بالاتر از آن فقه تمدنی در سه سطح «خرد، کلان و توسعه» خواهد بود که ناظر به تنظیم‌های اجتماعی در سه سطح «خرد، کلان و توسعه» است. فقه خرد ناظر به احکام ناظر به احکام موضوعات خرد اجتماعی در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. فقه کلان فقهی است که ناظر به لوازم طراحی ساختارهای کلان اجتماعی است که بر اساس آن‌ها توزیع «ثروت، قدرت و اطلاع» به صورت عادلانه صورت خواهد پذیرفت، و فقه توسعه هم ناظر به لوازم طراحی مصالح و تدابیری است که به افزایش و توان اسلام در موازنه جهانی می‌انجامد و به وسیله آن مشروعیت می‌یابد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تأکید بر این نکته که نظریه‌پردازی سیاسی و نظریه‌پردازی در همه جریان‌های اداره یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده علمای دین است، معتقد است آن کسانی می‌توانند در باب نظام اقتصادی، مدیریت، مسائل جنگ و صلح، مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند، و اگر این کار توسط علمای دین صورت نگیرد، نظریه‌های مادی و به‌عبارت دیگر، غربی جای آن‌ها را پر خواهند کرد. بنابراین، ایشان معتقدند تبیین معرفت‌شناسی اسلام، تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام، مفاهیم فقهی و حقوقی‌ای که پایه‌های آن تفکر اقتصادی و سیاسی را تشکیل می‌دهد، نظام تعلیم و تربیت، مفاهیم اخلاقی و معنوی و غیره، همه اینها باید دقیق، علمی، قانع‌کننده و ناظر به اندیشه‌های رایج جهان آماده و فراهم شود، این کار حوزه‌هاست. با اجتهاد این کار عملی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۷/۲۹).

ب) زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی (عج)

اساس تحقق تمدن نوین اسلامی، زمینه‌سازی ساختاری و زیربنایی، به صورت فکری و عملی برای ظهور حضرت حجت (عج) و بنای نظام اصیل اسلامی است. حوزه علمیه در این دوران، پا بر میراث تمدن کهن اسلامی دارد که تمدن‌های بزرگ هم دوران خود - مانند ایران باستان، روم و ... - را به‌طور کامل تحت تأثیر قرار داد و از سوی دیگر، به عنوان بستر و زمینه‌ساز تمدن جهانی و نهایی قرار گرفت که محوریت آن توحید و ویژگی بارز آن عدالت‌محوری است؛ به‌طوری که در آن، آینده‌ای روشن برای بشر ترسیم می‌شود. حوزه‌های علمیه، زمینه‌ساز تحقق

نقش حوزه انقلابی
در تمدن نوین اسلامی
با تأکید بر...
(۱۸۵ تا ۲۰۵)

این تمدن الهی است. هر اندازه در این امر کوتاهی و تأخیر شود، زمان تشکیل و ایجاد آرمان شهر، مدینه فاضله (حکومت جهانی مهدوی) یا همان تمدن الهی به تأخیر خواهد افتاد و در این میان، هرگونه ظلم و تضییع حقوقی رخ دهد، می‌تواند به نوعی بر دوش حوزه بیفتد؛ زیرا در عصر حاضر حوزه علمیه، متولی تمدن‌سازی و زمینه‌سازی حکومت عدل جهانی و مهدوی است.

یکی از مهم‌ترین مباحث مهدویت، شیوه حرکت به سوی ظهور است. در واقع، زمینه‌سازی ظهور، یک برنامه استراتژیک جامعه جهانی است. این برنامه نیازمند تدابیر لازم است تا موجب تعجیل ظهور شود و نشانه‌های ظهور نیز مبین این است که یکی از نشانه‌های تعجیل ظهور زمینه‌های مناسب و درخور شأن دولت کریمه ظهور است. در بین نخبگان، فرهیختگان و گروه‌های مرجع فکری جامعه اسلامی، نقش علما و روحانیون به علت برخورداری از پشتوانه ایدئولوژیک، سازمان و تشکیلات، نهاد مرجعیت تقلید، استقلال مالی، شخصیت کاریزما، نفوذ معنوی و مردمی در تأثیرگذاری بر مهندسی افکار عمومی، تعیین‌کننده است. بنابراین، حوزه علمیه به دلیل کارکردها و نقش‌های مستعد، از جمله رهبری دینی، رهبری سیاسی نهضت‌ها و قیام‌ها، رهبر معنوی دفاع و مقابله همه‌جانبه با تهاجم خارجی، مرزبانی از فرهنگ دینی و گسترش آن، مقابله با تهاجم فرهنگی، خرافه‌سازی‌ها و فرقه‌گرایی‌ها، تولید علم و جنبش نرم‌افزاری، در مواجهه با مقوله زمینه‌سازی برای ظهور نیز می‌توانند از طرق مختلف مؤثر باشند که به‌طور مختصر بدان‌ها اشاره می‌شود.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

۱. تفسیر صحیح احادیث نبوی در رابطه با زمینه‌سازی ظهور

احادیث فراوانی از سوی پیشوایان دینی درباره زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی (عج) برای تشکیل حکومت واحد جهانی به ما رسیده است؛ مثل این حدیث که می‌فرماید: قال رسول الله (ص) «إن خلفائي و أوصيائي، و حجج الله على الخلق بعدني اثنا عشر: أولهم أخي و آخرهم ولدي. قيل: يا رسول الله و من أخوك؟ قال: علي بن أبي طالب قيل: فمن ولدك؟ قال المهدي الذي يملأها قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما»، «خلفا و اوصيای من و حجت‌های خدا بر خلق بعد از من دوازده نفرند، اول آنان برادر من و آخرشان پسر من است، گفته شد: یا رسول الله برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب، گفته شد: فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی و او همان است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌طور که از ظلم و جور پر شده باشد» (شیخ صدوق،

۱۳۷۷، ص ۲۸۰). علمای دانشمند حوزه علمیه می‌توانند با درایت و هوشیاری همه افکار و اعمال جامعه را به سمتی جهت دهی کنند که موجب زمینه‌سازی برای ظهور حضرت شود. بیان معنا و تفسیر درست از یک حدیث، می‌تواند کمک شایانی به فهم مردم و دانستن وظیفه از سوی آنان در این زمینه شود.

۲. فرهنگ‌سازی برای فراهم‌شدن ظهور

زمینه‌سازی از طریق شناخت و شناساندن حضرت ولی عصر (عج) آن گونه که پیامبر اکرم (ص) فرموده است. سوق دادن مردم به سوی زندگی عاقلانه و رعایت الفبای دین، تبیین مفهوم صلح و عدالت‌طلبی، تبیین انتظار به عنوان وظیفه اصلی افراد جامعه (بیانات آیت‌الله جوادی آملی، ۱۳۸۸/۳/۱)، و این کاری است که فقط از علما و حوزه علمیه برمی‌آید.

۳. تبیین موارد تلاش پیشوایان معصوم برای زمینه‌سازی ظهور

تبیین دیدگاه‌ها و بازگوکردن راه‌هایی که هر یک از امامان معصوم (علیهم‌السلام) درباره حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) و ظهور آن حضرت بیان کردند وظیفه علما است که این می‌تواند بهترین کمک و اقدام برای زمینه‌سازی از سوی حوزه علمیه قلمداد شود و نقش آنان را برجسته کند. به دیگر سخن، در گذشته این وظیفه به دوش پیامبر (ص) و بعد از وی ائمه (ع) بود و حال این وظیفه به عهده علما است که جانشینان راستین آنان محسوب می‌شوند.

۴. برگزاری نشست‌ها و همایش‌های علمی راجع به آثار ظهور

برگزاری جلسات متعدد با آثار و برکات ظهور، شرایط ظهور، حکومت جهانی، آثار عدالت و ... در حکومت مهدوی، از جمله روش‌هایی است که حوزه می‌تواند نقش خود را در رابطه با زمینه‌سازی برای ظهور به‌طور کامل به نمایش بگذارد.

۵. تبیین نشانه‌های ظهور و مقابله با سوءاستفاده‌ها

نشانه‌های ظهور در روایات صحیح بیان شده است و باید به آن‌ها توجه کرد. شماری از آن علائم عبارت‌اند از برخی رخداد‌های اجتماعی، نظیر جنگ‌ها، آشوب‌ها، کشته‌شدن افراد خاص، زوال شماری از حکومت‌ها و وقوع تعدادی از رویدادهای طبیعی؛ مانند سیل‌های ویرانگر، قحطی، خشک‌سالی، خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی غیرعادی و پدیدارشدن حوادث غیرعادی؛ مثل برخاستن ندایی در آسمان که نام قائم (عج) را در همه‌جا طنین‌انداز می‌کند در روایات مربوطه

تصریح شده که وقوع برخی از این نشانه‌ها حتمی است تا این‌ها تحقق نیابد، ظهور رخ نخواهد داد و بعضی از آن‌ها هم غیرحتمی است، یعنی تحقق یابد یا تحقق نیابد، ظهور رخ خواهد داد. حوزه علمیه می‌تواند در این مرحله نقش خویش را در رابطه با زمینه‌سازی صحیح برای ظهور از طریق تبیین درست این روایات و بیان اهداف این علائم و پاسخ به شبهات ایفا کند.

ج) ظرفیت‌سازی و پرورش نیروهای کارآمد متناسب با رسالت انقلابی در تحقق تمدن نوین اسلامی

پرورش انسان از مهم‌ترین دلایل رسالت انبیاست که در سایه اعتقاد به قیامت، مبارزه با ظلم و رعایت حقوق مردم اجرا می‌شود و اینها همه از اصول استوار تمدن است. قرآن کریم، هدف از ارسال رسل و انزال کتاب را تزکیه و تعلیم بشر می‌داند. باید گفت نقش آفرینان تولید فکر، باید توانایی هدایت افکار و همچنین، پرورش انسان‌ها و تقویت نیروی ایمان در آن‌ها را داشته باشند، زیرا تنها با حضور آحاد مردم و پرورش روح ایمان آن‌ها مسیر برای تحقق تمدن نوین اسلامی هموار می‌شود. از این رو، یکی دیگر از رسالت‌های حوزه‌های علمیه، پرورش نیروهای کارآمد و ظرفیت‌سازی متناسب با رسالت حوزه در تحقق دولت اسلامی است. رهبری انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای این وظیفه را در درجه اول بر عهده علمای دین قرار می‌دهند:

«در آنجایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش آفرینان چه کسانی هستند. بدون شک مدیران جامعه، سیاست‌مداران، متفکران و روشنفکران هر کدام به نحوی می‌توانند درخور استعداد خود نقش آفرینی کنند... اما در تربیت انسان نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴/۷/۷۹).

به دیگر سخن، با تحقق نظام اسلامی دیگر تفکر جدایی حوزه از حکومت معنا ندارد؛ بلکه حکومت اسلامی میوه تلاش فقهای عظام در طول تاریخ حوزه‌های علمیه است، بنابراین، حوزه علمیه باید خود را متکفل اصلی سرپرستی بداند و در این راستا تنها نباید به حوزه مفهوم‌سازی و حتی فرهنگ‌سازی بسنده کند؛ بلکه باید متناسب با رسالت‌ها و نقش‌های مختلفی که حوزه و حوزویان می‌توانند در هدایت نظام اسلامی داشته باشند، ظرفیت‌سازی و پرورش نیروهای متناسب را در دستور



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

کار خود قرار دهد. البته با توجه به پیچیدگی‌های اداره و حکومت‌داری در دنیای امروز و با توجه به وابسته‌شدن ابعاد مختلف توسعه و پیشرفت، نوع حضور و سطح حضور روحانیت در مسئله اداره هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی می‌تواند بسیار متنوع باشد. این حضور می‌تواند در قالب مدیریت، مشارکت و مشاورت رخ دهد. شاید مهم‌ترین جایگاه روحانیت در مدیریت نظام اسلامی، نقش‌آفرینی به عنوان بازوی اجرایی ولی فقیه در مراکز مهم تصمیم‌گیری در جامعه مانند امامان جمعه و نمایندگان ولی فقیه در دانشگاه‌ها و مراکز مختلف نظام است. حوزه‌های علمیه باید با شناخت استعدادها و حوزوی، افراد مستعدی را برای مدیریت این مراکز پرورش دهند تا در خدمت نظام ولایت فقیه به‌خوبی بستر تحقق تمدن نوین اسلامی را فراهم کنند. علاوه بر این، حضور در پست‌های سیاسی مانند نمایندگی مجلس، مدیران فرهنگی در سطوح کلان و خرد، مشاور در زمینه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و... انواع نقش‌هایی است که هم اکنون روحانیت در بسیاری از مراکز نظام اسلامی ایفا می‌کند، بنابراین، حوزه‌های علمیه باید چه در زمینه آموزش و چه پژوهش، پرورش چنین ظرفیت‌های انسانی را در دستور کار خود قرار دهد.

به‌عبارت دیگر، می‌توان گفت، ثروت یک جامعه به منابع زیرزمینی‌اش نیست، اگرچه این مهم است، ولی ثروت یک جامعه به نیروی انسانی تربیت‌شده است. حوزه‌های علمیه می‌توانند با پرورش نیروی انسانی که بتواند بر اساس اخلاق، خدانگری و معنویت در این تمدن نقش بازی کنند، فعال باشند. کسی که تربیت می‌شود، لزوماً یک طلبه نیست، ممکن است یک پزشک یا مهندس باشد، ولی این پزشک یا مهندس باید تربیت شده باشد تا بتواند در یک تمدن اسلامی نقش بازی کند. یک پزشک یا یک مهندس در این تمدن با یک پزشک یا مهندس در تمدن غربی فرق می‌کند. حوزه علمیه در تمدن نوین اسلامی کارش این است که شاخصه‌های یک انسان را که در این تمدن می‌تواند نقش ایفا کند، بیان کند و بگوید کسی که قرار است در تمدن اسلامی نقش بازی کند از چه ویژگی‌هایی باید برخوردار باشد.

فرجام سخن

بیشترین کارکرد حوزه‌های علمیه در نظام فرهنگی تمدن اسلامی قابل بررسی و

ملاحظه است؛ زیرا از آنجا که فرهنگ یک تمدن، اساسی‌ترین عنصر شکل‌دهنده آن است، بیشترین تلاش علمای اسلام در جهت شکل‌دهی به مؤلفه‌های فرهنگی به واسطه ترویج علوم، اعتقادات و اخلاق اسلامی صورت گرفت. حوزه علمیه در طول تاریخ با توسعه و ترویج اندیشه ولایت فقیه که توسط معصومین القا شده بود بسترساز گرایش‌های سیاسی فقها را فراهم کرده، و با انقلاب اسلامی زمینه را برای برپایی حکومت اسلامی فراهم کرده‌اند. مهم‌ترین دستاورد تمدنی حوزه‌های علمیه بر پایه تعالیم اسلام که در طول قرون حیات خود، از صدر تا کنون، نظیری برای آن نمی‌توان یافت برپایی نظام جمهوری اسلامی در ایران بوده است که غایت این نظام، تحقق تمدن نوین اسلامی است.

بنابراین، حوزه‌ای که واحد مطالعه‌اش ایجاد تمدن نیست نمی‌تواند انقلابی بماند، صف خودش را جدا می‌کند و در این صورت انقلاب اسلامی هم نمی‌تواند ادامه پیدا کند. اسلامیت انقلاب به این است که رفتار انقلابی، متصل به فرهنگ اسلام شود و نقطه اتصال منطقی‌اش، حوزه است. حوزه می‌تواند با تفقه دقیق، برنامه‌ریزی حکومت را طراحی کند؛ حکومت جدیدی را تعریف کند. آیا دولت اسلامی، دولتی است که بر اساس تحلیل منتسکیو، قوای مقننه، مجریه و قضاییه هم عرض دارد؟ ساختار کلان قوای اسلامی چیست؟ آیا قانون اساسی موجود کافی است؟ این پرسش‌ها باید توسط حوزه علمیه باید پاسخ داده شود.

حوزه انقلابی، حوزه‌ای است که برای اینکه نظام پولی اسلام، جایگزین نظام مالی سرمایه‌داری شود، یا نظام ولایی اسلام جایگزین دموکراسی شود، باید طرح ارائه کند. حوزه انقلابی، حوزه‌ای است که در این مقیاس پژوهش می‌کند و در این مقیاس پژوهش‌گر می‌پروراند، آموزششان می‌دهد و بعد هم در همین مقیاس اسلام را ابلاغ می‌کند. ابلاغ هم فقط به بدنه عمومی جامعه نیست؛ بخشی از مأموریت حوزه همکاری پژوهشی با دستگاه‌های علمی برای تولید علم دینی است. بخشی از همکاری برای ایجاد برنامه‌ریزی اسلامی یا به تعبیری، الگوی پیشرفت اسلامی است. بخشی از همکاری برای تولید دانش اسلامی است. اینها مأموریت‌های حوزه است که اگر در این مقیاس پژوهش نکنند، نمی‌تواند انقلابی بماند. حوزه اگر احساس نکند که وارد درگیری عظیم جدیدی شده است و این احساس به موضوع کار تبدیل نشود، نمی‌تواند انقلابی بماند. حوزه انقلابی حوزه‌ای است که نبض حوادث آینده منطقه و جهان را رقم می‌زند؛ نه اینکه دیگران حادثه‌ها را رقم بزنند و



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

حوزه صرفاً پاسخگو باشد. حوزه اگر با دقت وارد این عرصه‌ها نشود، طبیعی است که پاسخگوی نیازهای انقلاب اسلامی در مقیاس دولت اسلامی و تمدن نوین اسلامی نخواهد بود و قهراً منزوی خواهد شد و در قدم بعد یا انقلاب اسلامی مجبور به ایجاد دستگاه موازی خواهد بود و یا در دولت‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی از ادامه راه ناتوان شده، تحت تأثیر مبانی نظری مدرن قرار می‌گیرد. اگر انقلاب اسلامی بخواهد به عنوان حرکتی روبه‌پیش برای ایجاد تمدن اسلامی و بعد استحاله فرهنگ مادی غرب درون تمدن اسلامی اقدام کند، باید رابطه بین اسلامیت، تمدن، جامعه و دولت اسلامی منطقاً حل شود که این کار حوزه‌های علمیه و شرط انقلابی‌ماندن حوزه و حکومت است.

بنابراین، در تمدن‌سازی نوین اسلامی، که مهم‌ترین مرحله در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود، حضور و میدان‌داری حوزه‌های علمیه و فقه، نه امری ممکن، که امری ضروری و بنیادین است؛ زیرا در صورت غیبت یا حضور کم‌رنگ حوزه‌های علمیه و فقه در این میان، بخش نرم و اصلی از جایی دیگر تغذیه خواهد شد و به تبع آن بخش سخت تمدن نیز بیگانه از بخش نرم تولید و طراحی خواهد شد و نتیجه آن، چیزی جز شکست پروژه و فرایند تمدن‌سازی نوین اسلامی و در حقیقت، ناکامی انقلاب اسلامی در وصول به اهداف الهی نخواهد بود.

نقش حوزه انقلابی
در تمدن نوین اسلامی
با تأکید بر...
(۱۸۵ تا ۲۰۵)

منابع

- قرآن کریم
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (بی تا). *غررالحکم و دررالکلم*. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از اینثارگران و خانواده‌های شهدا در تاریخ ۱۳۷۶/۵/۲۹.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم قم در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع علما، اساتید و مدرسین مدارس و طلاب حوزه علمیه قم در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۲۹.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار از جوانان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۸.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار گروهی از جوانان و نوجوانان در تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۶.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۷۷). *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*. به قلم آیت‌الله کمره‌ای، جلد اول، تهران: انتشارات اسلامیه.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مدرسین، علما و فضلالی حوزه علمیه قم، در تاریخ ۱۳۷۰/۱۲/۱.
- تاین بی، آرنولد (۱۳۷۶). *بررسی تاریخ تمدن*. ترجمه محمدحسین آریا. چاپ اول، تهران: امیر کبیر.
- توین بی، آرنولد (۲۵۳۶ شاهنشاهی). *تحقیقی در باب تاریخ*. چاپ دوم، ترجمه وحید مازندرانی، بی‌جا: انتشارات توس.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

- جعفری، علامه محمدتقی (۱۳۷۳). فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو. جلد ششم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). انتظار بشر از دین. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، در دیدار مسئولان پنجمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت و پژوهشگران پژوهشکده مهدویت، در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۱.
- دورانت، ویل (۱۳۶۵). بررسی تاریخ تمدن. ترجمه احمد بطحایی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- دورانت، ویل (۱۳۹۲). تاریخ فلسفه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رادمنش، عزت‌الله (بی‌تا). کلیات عقاید ابن خلدون درباره فلسفه تاریخ و تمدن. تهران: انتشارات قلم.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۹). زمینه فرهنگ‌شناسی. تهران: انتشارات عطار.
- زمانی، مصطفی (۱۳۹۰). مبانی حاکم بر مهندسی تمدن نوین اسلامی ایرانی. مجله روابط فرهنگی، پیش‌شماره ۳.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۴). تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون. تهران: انتشارات آگاه.
- سیدکباری، سید علیرضا (۱۳۷۸). حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- گروه مؤلفان (۱۳۹۰). حوزه علمیه، تاریخ، ساختار، کارکرد. تهران: کتاب مرجع.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی (۱۳۹۰). درآمدی بر ظرفیت‌های تمدن‌سازی فقه شیعه. فصل‌نامه علمی و پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال ۲، شماره ۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). مجموعه آثار. جلد ۲۴، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). فلسفه تاریخ. جلد اول، تهران: انتشارات صدرا.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه امام. جلد هشتم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نقش حوزه انقلابی
در تمدن نوین اسلامی
با تأکید بر...
(۱۸۵ تا ۲۰۵)